



اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی بر سلامت روان مادران باتجربه زیسته سوگ فرزند در شهر یزد

۱- زارع احمدآبادی*، فرزانه، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

۲- دهقان منشادی، ماریه، دکتری تخصصی مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی یزد

۳- فلاح، محمدحسین، دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد

خلاصه

سوگ فرزند برای والدین به خصوص مادران شدیدترین نوع سوگ محسوب میشود. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی بر سلامت روان مادران با تجربه زیسته سوگ فرزند میباشد. جامعه آماری شامل کلیه مادران شهر یزد با تجربه سوگ فرزند در سال ۹۶-۱۳۹۵ است. ۵ نفر از مادران با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند پرسشنامه‌های محقق ساخته جمعیت شناختی و سلامت روان را تکمیل کردند. از روش‌های آماری تحلیل نگاره ای و توسط نرم‌افزار SPSS-18 برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد سلامت روان مادران هر چهار آزمودنی پس از درمان، نسبت به قبل از درمان، بهبود داشته است. با این حال، نمرات پس از درمان با دوره پیگیری معنادار نبودند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که درمان یکپارچه توحیدی احتمالاً میتواند بعنوان یکی از درمان‌های اثرگذار بر سلامت روان مادران با سوگ فرزند در فرهنگ ایران به کار گرفته شود.

کلمات کلیدی: درمان یکپارچه توحیدی، سلامت روان، سوگ، فرزند.

۱. مقدمه

سوگ به معنای موقعیت عینی فردی است که مرگ یک شخص مهم را تجربه کرده است [1]. مرگ فرزند یکی از آسیب‌زاترین رویدادهای سوگ است که می‌تواند برای فرد رخ دهد و از دست دادن فرزند نسبت به از دست دادن همسر، والدین، خویشاوندان و دوستان بیشترین نوع آسیب اختلال در سلامت را به دنبال دارد [2]. تجربه از دست دادن فرزند به‌طور کلی، تنش‌ها و واکنش‌های سوگ پیچیده‌ای را برای افراد، نسبت به انواع دیگر سوگ به وجود می‌آورد [3]. کودکان یک عنصر کلیدی در تضمین پیوند خانواده و تداوم نسل محسوب می‌شود؛ بنابراین، والدینی که با مرگ ناگهانی فرزند خود روبرو می‌شوند ممکن است به‌شدت احساس ناامیدی کنند [4].

یکی از متغیرهای مطرح شده برای این افراد، بررسی سلامت روان آنهاست. سلامت روان یک حالت پویا از تعادل درونی است که افراد را قادر می‌سازد تا از توانایی‌های خود در هماهنگی با ارزش‌های کلی جامعه استفاده کنند. والدینی که فرزند خود را از دست داده‌اند نشانه و دوره‌های افسردگی، مشکلات سلامت و تعارضات زناشویی بیشتر و بهزیستی کمتری را تجربه می‌کنند [5]. خطر تجربه مشکلات روان‌شناختی در زنان حداقل دو برابر مردان است [6]. بر این اساس، مادرانی که مرگ فرزند را تجربه می‌کنند نسبت به مادرانی که چنین تجربه‌ای ندارند، سلامت روان پایین‌تری دارند [5,7,8].

* farzaneh.zare1359@gmail.com